

جستجوی سوزن در انبار گاه

منبع: مجله اکونومیست

ترجمه و تلخیص: سیدحسین علوی لنگرودی

خود، ضمن تاکید بر حیاتی بودن منابع پولی و مالی برای ادامه فعالیت‌های تروریستی، خواستار همکاری جهانی جهت متوقف‌سازی روند تامین مالی تروریست‌ها شده است. تونی بلر نیز به ویژه پس از حملات تروریستی ماه جولای به لندن، سیاست جلوگیری از تامین مالی شبکه‌های تروریستی را در رأس سیاست‌های دولت خود قرار داده است. این سیاست‌ها، به کشورهایی چون آمریکا و انگلیس منحصر نمی‌شود و در کشورهایی چون بنگلادش، استرالیا و اندونزی نیز مورد توجه دولتمردان قرار دارد.

مانع‌تراشی بر سر راه جریان‌های پولی شبکه‌های مالی بین‌المللی، امری پرهزینه است و فعالیت‌های تروریستی را متوقف نخواهد ساخت.

چندی پیش، شبکه‌های خبری جهان، تصاویری از عملیات ویژه نیروهای امنیتی مصر برای دستگیری یک گروه تروریستی مصری را نشان دادند که در غارهای کوه "حلال" مخفی شده بودند. اعضای این گروه، مسوول حملات تروریستی ماه جولای سال ۲۰۰۵ در منطقه شرم‌الشیخ شناخته شدند که طی آن، چندین نفر از گردشگران و مردم محلی این منطقه کشته شدند.

بار اصلی مبارزه با فرایند تامین مالی شبکه‌های تروریستی، بر دوش

بخش خصوصی قرار دارد.

با این حال، بار اصلی مبارزه با فرایند تامین مالی شبکه‌های تروریستی، بر دوش بخش خصوصی قرار دارد. هم‌اکنون بانک‌ها و سایر موسسات مالی، مجبورند حساب‌های مشتریان خود را با دقت مورد بررسی و کنترل قرار دهند و در صورت مشاهده نشانه‌ای از وجود معاملات مشکوک و مبهم در آنها، نسبت به مسدود نمودن آنها اقدام نمایند. در حال حاضر، بانک‌هایی که از مسدود کردن حساب‌های مشکوک خودداری کنند، از ادامه فعالیت در داخل آمریکا محروم می‌شوند.

علاوه بر بانک‌ها، میلیون‌ها نفر از مشتریان بانک‌ها و موسسات مالی دیگر هم مجبورند که استانداردها و دستورالعمل‌های سختگیرانه‌ای را رعایت نمایند. به عنوان مثال، گشایش یک حساب ساده یا انتقال مقدار مختصری پول از یک حساب به حساب دیگر، مستلزم گذراندن مراحل متعدد شناسایی و تایید و در نتیجه، بروز

در کنار اقدامات امنیتی، فعالیت‌های گسترده‌ای در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و مالی نیز در این زمینه در حال شکل‌گیری است. به عنوان مثال، در ماه اکتبر سال ۲۰۰۵، نزدیک به ۲۰۰ نفر از بانکداران کشورهای خاورمیانه و آفریقا گردهم آمدند و به مدت دو روز، به بحث و تبادل نظر در مورد راه‌های مقابله با تامین مالی شبکه‌های تروریستی از طریق بانک‌ها و موسسات مالی و مبارزه با پدیده پولشویی، که یکی از تهدیدهای جدید سیستم‌های مالی محسوب می‌شود، پرداختند. در همین ماه، گردهمایی بزرگتری با شرکت نمایندگان قضایی ۳۲ کشور و ۱۶ سازمان مالی بین‌المللی، در زمینه راه‌های کاهش جرایم مالی، به ویژه جرایم مربوط به تامین مالی تروریست‌ها، در پاریس برگزار شد.

چهار سال پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و با قرار گرفتن سیاست "جنگ با تروریسم" در رأس سیاست‌های دولت بوش و توجه جهانی به مساله مبارزه با شبکه‌های تروریستی، وضعیت به گونه‌ای رقم خورده است که هم‌اکنون بیشتر بانکداران، مدیران مالی و حسابداران بانک‌ها و موسسات مالی جهان، در همه جای دنیا به دنبال ردیابی از تروریست‌ها می‌گردند. جورج دبلیو بوش، در سخنرانی‌های

تاخیر در دسترسی به خدمات بانکی است. در حال حاضر، اطلاعات جزئی و متنوعی از مدیران و صاحبان کار و کسب در مورد مبدأ و مقصد سرمایه‌هایشان درخواست می‌شود و عملیات اداری مرتبط با این اطلاعات، هزینه‌های سنگینی را برای بانک‌ها و مشتریان آنها به بار خواهد آورد. انتقال وجوه از سوی کارگران مهاجر و دانشجویان شاغل در کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، برای خانواده‌هایشان در کشورهای دیگر نیز به شدت تحت کنترل و نظارت قرار دارد.

بدیهی است که هزینه‌های مرتبط با قوانین و مقررات جدید ضدتروریستی برای بانک‌ها و موسسات مالی، بسیار سنگین است. براساس بررسی‌های گراهام دیلون (Graham Dillon) از موسسه مشاوره مالی KPMG، رعایت مقررات ضدتروریستی جدید برای بانک‌های متوسط انگلیس در هر سال بین سه تا چهار میلیون پوند (پنج تا شش میلیون دلار) هزینه خواهد داشت. براساس یافته‌های این بررسی، بانک‌های بین‌المللی، علاوه بر این هزینه‌ها، هزینه‌ای معادل دو تا سه میلیون پوند در هر سال را صرف انجام بازرسی‌های مالی شبکه‌ای خود می‌نمایند. علاوه بر این، در هر سال، ده‌ها میلیون پوند صرف ذخیره‌سازی و نگهداری اطلاعات مربوط به مشتریان بانک‌ها و معاملات بانکی - آن هم فقط در بانک‌های شهر لندن - می‌شود. شبیه همین هزینه‌ها در کشورهایی چون آمریکا، سنگاپور و بسیاری از کشورهای اروپایی نیز صرف می‌شود. براساس برآوردهای موسسه KPMG، جمع‌آوری، تدوین و نگهداری اطلاعات شخصی مشتریان بانک‌های بین‌المللی و تطبیق آن با لیست‌های ممنوعه (ارایه‌شده از سوی سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی) در هر سال، بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون پوند برای آنها آب می‌خورد و این هزینه‌ها، با توجه به حساسیت روزافزون دولت‌هایی چون آمریکا و انگلیس نسبت به فعالیت‌های تروریستی و راه‌های تامین مالی آنها، در آینده، افزایش چشمگیری خواهند یافت.

② بسیاری از تروریست‌ها، مودی‌تر و زرنگتر از آن هستند که به آسانی بر روی رادارهای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی آفتابی شوند.

یک جستجوی پرهزینه

مورد ۲۰۰ بانک بزرگ جهان، میانگین سرمایه‌گذاری این بانک‌ها در بخش مبارزه با پولشویی در سال ۲۰۰۴، معادل ۶ درصد نسبت به سه سال پیش از آن رشد داشته است.

با اینهمه، آقای دیلون معتقد است که تکنولوژی‌های موجود برای مبارزه با پولشویی، عمدتاً برای شناسایی معاملات مشکوکی به کار می‌روند که شباهت چندانی با معاملات مورد استفاده تروریست‌ها ندارند. به گفته او، علایق و ترفندهای یک قمارباز یا قاچاقچی (که جانش را خیلی دوست دارد) با علایق و ترفندهای یک بمب‌گذار انتحاری (که به جان خود اهمیتی نمی‌دهد) متفاوت است و لذا ردپای تروریست‌ها را باید در مواردی چون خریدن دارایی‌های پریسک یا گشایش حساب‌های متحرک و سیال جستجو کرد.

در کنار این فعالیت‌ها، صنعت "نرم‌افزارهای مالی ضدتروریستی" و برنامه‌های آموزشی پرسنل و مدیران بانک‌ها و موسسات مالی برای شناسایی موارد مشکوک به تامین مالی شبکه‌های تروریستی، در حال شکوفایی و رشد بی‌سابقه است و

به سختی می‌توان میزان کل هزینه‌های انجام‌شده برای رعایت قوانین جدید در حوزه جلوگیری از تامین مالی شبکه‌های تروریستی را تعیین و محاسبه نمود و یکی از دلایل این امر هم سیاست اغلب موسسات مالی خصوصی و دولتی مبنی بر پیگیری همزمان موارد تامین مالی تروریسم و پولشویی می‌باشد که تفکیک هزینه‌های صرف‌شده برای هرکدام از آنها را غیرممکن می‌سازد. براساس برآوردهای جامعه بانکداران انگلیس (BBA)، بانک‌های انگلیسی در هر سال، نزدیک به ۲۵۰ میلیون پوند را صرف رعایت مقررات مربوط به این دو جرم (تامین مالی تروریست‌ها و پولشویی) می‌کنند. براساس نتایج تحقیق موسسه KPMG در

به سختی می‌توان میزان کل هزینه‌های انجام‌شده برای رعایت قوانین جدید در حوزه جلوگیری از تامین مالی شبکه‌های تروریستی را تعیین و محاسبه نمود.

حاصل از آنها، چندان قابل ملاحظه و محسوس نبوده است و در بسیاری از موارد، کسانی در مظان اتهام قرار گرفته‌اند که فقط مشغول فعالیت‌های خیریه و بشردوستانه بوده‌اند. به عنوان مثال، چندی پیش، یکی از دادگاه‌های آمریکا، یک فرد خیر یمنی را به جرم حمایت مالی از شبکه القاعده به ۷۵ سال زندان محکوم کرد، در حالی که او - چه در یمن و چه در آمریکا - به عنوان "پدر افراد نیازمند و بی‌سرپناه" معروف بود و گرایش‌های سیاسی و عقیدتی خاص از نوع القاعده هم نداشت.

به دلیل ناکارآمدی قوانین و مقررات موجود در حوزه مبارزه با تامین مالی تروریسم، بسیاری از کارشناسان - چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی - به این نتیجه رسیده‌اند که جستجوی بانک‌ها و موسسات مالی برای یافتن سرمایه‌های تروریست‌ها، مثل جستجوی سوزن در انبار کاه در شبی تاریک است که نتیجه مطلوب چندی را به دنبال نخواهد داشت. علاوه بر این، به عقیده منتقدان این قوانین، نفس جستجوی حساب‌های بانکی با هدف جلوگیری از عملیات تروریستی، اشتباه و کوتاه‌نظرانه می‌باشد، زیرا بسیاری از حملات تروریستی صورت گرفته در سال ۲۰۰۵ - از جمله حملات تروریستی به عربستان سعودی، اردن، روسیه، مصر، انگلیس، بالی (بدون در نظر گرفتن عراق) - با استفاده از منابع پولی ناچیزی صورت پذیرفته‌اند. به عنوان مثال، طبق برآوردهای رسمی، شبکه تروریستی القاعده، عملیات حمله به برج‌های تجارت جهانی و پنتاگون در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را با صرف ۳۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ دلار انجام داد یا هزینه بمب‌گذاری در مادرید و بالی، به ترتیب ۱۵۰۰۰ دلار و ۳۵۰۰۰ دلار بوده است که ارقام چندان درشتی برای پیگیری به حساب نمی‌آیند.

به عقیده روهان گونارانتا (Rohan Gunaranta) یکی از کارشناسان موسسه بین‌المللی مبارزه با جرایم مالی در سنگاپور، شناسایی سرمایه‌های تروریست‌ها، به دلیل ماهیت و عملکرد متنوع و گاه متناقض این نوع گروه‌ها، دشوارتر می‌شود. بنابراین، توجه صرف به زیرساخت‌های مالی خاصی چون بانک‌ها، نخواهد توانست تضمین مطمئنی برای جلوگیری از حمایت مالی از شبکه‌های تروریستی باشد، چون که بسیاری از تروریست‌ها، مودی‌تر و زرنگتر از آن هستند که به آسانی بر روی رادارهای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی آفتابی شوند.

شبکه تروریستی القاعده، عملیات حمله به برج‌های تجارت جهانی و پنتاگون در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را با صرف ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار دلار انجام داد.

رویارویی با اختاپوس

تاکنون، برنامه مدون و منظمی برای مقابله با حمایت‌های مالی از شبکه‌های تروریستی به مرحله اجرا گذاشته نشده است. بسیاری از برنامه‌هایی هم که تاکنون در این زمینه به اجرا درآمده‌اند، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که گویی "القاعده" یک شرکت چندملیتی بزرگ به ریاست اسامه بن لادن است که دارای هویت و حساب و کتاب مشخصی می‌باشد. به عقیده ویلیام بریتین (William Brittain) روزنامه‌نگار و مشاور امنیت مالی در انگلیس، القاعده، یک اختاپوس عظیم‌الجثه و

هزینه استفاده از این نرم‌افزارها و اجرای برنامه‌های آموزشی، برای بانک‌های بزرگ جهان که به طور متوسط بیش از ۱۵۰ میلیون مشتری و ۲۰۰۰۰۰ پرسنل دارند، بسیار عظیم و کمرشکن خواهد بود.

علاوه بر این، اگر حجم عظیم معاملات و عملیات بانکی در جهان را در نظر بگیریم، به پیامدهای عجیب و غیرقابل قبول این قوانین و مقررات جدید پی خواهیم برد. به عنوان مثال، در آمریکا، موسسات مالی در هر روز، نزدیک به ۱۳ میلیون معامله نقدی بالای ۱۰۰۰۰ دلار را گزارش می‌کنند که درصد قابل توجهی از این معاملات در گروه "موارد مشکوک و مبهم" قرار می‌گیرند و می‌بایستی مورد بررسی و کنترل قرار گیرند. براساس برآوردهای بانک مرکزی آمریکا، میزان کل معاملات مشکوک بانکی این کشور در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴، سه برابر شده و به ۶۸۵۰۰۰ مورد در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است. این رقم در مورد کشور انگلستان، معادل ۲۵۰۰۰۰ مورد بوده است. با اینهمه، BBA برآورد کرده است که از بین این گزارش‌ها، فقط سه تا چهار درصد موارد، به گونه‌ای با فعالیت‌های تامین مالی تروریست‌ها مربوط می‌شد و البته یکی از دلایل این مساله هم بی‌دقتی دست‌اندرکاران و مقامات بانکی در تشخیص موارد مشکوک و فقدان استانداردهای مدون در این حوزه بوده است. در کشورهای در حال توسعه نیز وضع به همین منوال بوده و در بسیاری از بانک‌ها و موسسات مالی این کشورها توجه چندی به گزارش موارد مشکوک و کنترل حساب‌های مشتریان به جهت یافتن موارد مشکوک نمی‌شود.

جستجوی بانک‌ها و موسسات مالی برای یافتن سرمایه‌های تروریست‌ها، مثل جستجوی سوزن در انبار کاه در شبی تاریک است.

به‌طور کلی، بانک‌ها به دو دلیل عمده قوانین و مقررات مرتبط با خودداری از حمایت مالی تروریسم را رعایت می‌کنند: یکی، ترس از ممنوع شدن فعالیت؛ و دوم، نگرانی از تخریب وجهه عمومی و اعتبارشان در صورت افشای مواردی از حمایت مالی تروریسم در آنها. البته بانک‌ها و موسسات مالی حق دارند که در این مورد نگران باشند، چون که در صورت عدم رعایت قوانین و مقررات در این حوزه، با جریمه‌های سنگین و بی‌سابقه‌ای روبرو خواهند شد. به عنوان مثال، نمایندگی عرب بانک (Arab Bank) در آمریکا، به علت ناقص بودن کنترل‌های مالی‌اش بر حساب‌های مشتریان خود، معادل ۲۴ میلیون دلار جریمه شد.

البته رعایت قوانین و مقررات جدید در حوزه جلوگیری از تامین مالی تروریسم، صرفاً به بانک‌ها و موسسات مالی محدود نمی‌شود، بلکه در کشورهای آمریکا و انگلیس (و به‌تازگی در بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی) هم رعایت این قوانین برای کلیه سازمان‌ها و موسسات حقوقی، حسابداری و بیمه الزامی شده است. هم‌اکنون، تمام کازینوهای لاس‌وگاس آمریکا و حتی کلیه صرافان و جواهرفروشان این کشور، موظف به گزارش دقیق و جزء‌به‌جزء معاملات مشکوکی هستند که در آنها، خریداران (ملا و جواهر)، اقدام به پرداخت وجوه قابل توجه (حتی بیش از قیمت عرفی اجناس) می‌کنند. با وجود گسترش و فراگیری قابل توجه این اقدامات و قانونگذاری‌ها، نتایج

هزارپاست که به همه جا چنگ می‌اندازد و به آسانی قابل شناسایی و ردیابی نیست؛ در همه جا، حتی در سطح خیابان‌ها و سازمان‌ها نیز می‌توان ردیابی از این اختاپوس هولناک را مشاهده نمود. چنین موجود مخوف و مرموزی، از روش‌های متنوعی برای پنهان کردن خود استفاده می‌کند و برای تامین مالی هرکدام از پاهای خود نیز ازترفندهای خاصی بهره می‌جوید. به همین دلیل است که تک‌تک سلول‌های

تشکیل‌دهنده این اختاپوس جهانی، دارای هویت‌های متفاوت، کارت‌های اعتباری متعدد و حساب‌های بانکی با نام‌های جعلی و مختلف هستند که از طریق اینترنت و تلفن‌های موبایل، با هم در ارتباطند و هیچگونه ردپا یا علامتی را که قابل شناسایی و پیگیری باشد، بر جانی‌گذارند. تروریست‌ها، بارها نشان داده‌اند که توانایی و مهارت فوق‌العاده‌ای برای تغییر دادن ماهیت سرمایه‌ها و پول‌هایشان و فریب‌دادن مقامات بانکی دارند. آنها، زرنگتر از آن هستند که فقط از یک راه و روش برای انتقال پول‌هایشان استفاده کنند. آنها توانسته‌اند از مساله برداشته شدن مرزها و فرایندهایی چون آزادسازی تجارت و سرمایه و تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات، نهایت استفاده را ببرند و به درون اقتصادهای وابسته به وجوه نقد نفوذ کنند.

اما یکی از مسایلی که تروریست‌های عرب را از هم‌تایان غربی از جمله از ارتش جمهوریخواه ایرلند یا جدایی‌طلبان باسک متمایز می‌سازد، همانا استفاده یا سوءاستفاده آنها از منابع مشروع و انسان‌دوستانه برای کمک‌های مالی به فقیران و یتیمان می‌باشد. بخش عمده سرمایه لازم برای اجرای حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر هم به وسیله موسسات و سازمان‌های خیریه منطقه خلیج فارس، به ویژه کشور عربستان سعودی تامین شده بود.

تقلب در کارت‌های اعتباری و قاچاق، از دیگر منابع تامین و انتقال سرمایه‌های موردنیاز فعالیت‌های تروریستی، به ویژه در غرب بشمار می‌آیند. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، کشورهای بلژیک و اسپانیا، مهمترین مراکز چنین فعالیت‌هایی در اروپا می‌باشند.

به‌هرحال، حمایت‌های مالی از گروه‌های تروریستی، به هر شکل و در هر کشوری صورت پذیرد، امری مذموم و غیرقانونی است و باید با آن برخورد جدی شود. این برخوردها در مراکز مالی اصلی جهان، یعنی نیویورک و لندن، می‌بایستی دقیقتر و شفاف‌تر باشند و به دور از افراط و تفریط صورت پذیرند. البته برخورد با چنین فعالیت‌هایی، فقط برعهده سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) و اف‌بی‌آی نیست، بلکه خود بانک‌ها و موسسات مالی نیز می‌توانند به شناسایی این نوع فعالیت‌ها و دست‌اندرکاران آنها کمک شایانی نمایند. با این همه، تحمیل قوانین و مقررات بی‌هدف و افراطی به بانک‌ها، نه‌تنها دردی را درمان نخواهد کرد، بلکه افزایش شدید هزینه‌های رعایت چنین قوانینی، خود یک نوع تروریسم به حساب می‌آید، تروریسمی که باعث نابودی خود بانک‌ها می‌شود.

تحمیل قوانین و مقررات بی‌هدف و افراطی به بانک‌ها، نه‌تنها دردی را درمان نخواهد کرد، بلکه...

تحمیل قوانین و مقررات بی‌هدف و افراطی به بانک‌ها، نه‌تنها دردی را درمان نخواهد کرد، بلکه...

کانون‌های توطئه

یکی از سوژه‌های موردتوجه کارشناسان امور ضدتروریستی (مبارزه با تامین مالی تروریسم)، شبکه جهانی سیستم‌های انتقال غیررسمی پول که در برخی کشورها با نام "حواله" شناخته می‌شود، و عملکرد متنوع و متفاوت آن است. این نوع از انتقال غیررسمی پول، در میان کارگران مهاجر شاغل در کشورهای ثروتمند رواج دارد، به گونه‌ای که بسیاری از آنها برای فرستادن بخشی از درآمدها برای خانواده‌های خود، از همین سیستم ساده و ارزان استفاده می‌کنند. با این حال، پس از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر، این سیستم، به یکی از اولین اهداف ماموران امنیتی مالی آمریکا و سایر کشورهای غربی تبدیل شد و محدودیت‌های بسیاری بر سر راه آن به وجود آمد.

به عقیده بسیاری از کارشناسان امور مالی، به سختی می‌توان مقررات و

نشانی پست الکترونیکی مجله بانک و اقتصاد:

bankvaeghtesad@yahoo.com